

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه چاپ دوم
۶	مقدمه
بخش اول: کلیات	
۱۳	فصل اول: تعاریف، منابع و اصول
۱۳	مبحث اول: تعاریف
۱۳	گفتار اول: دیپلماسی و دیپلمات
۱۴	گفتار دوم: سیاست خارجی
۱۴	گفتار سوم: روابط و حقوق دیپلماتیک
۱۵	مبحث دوم: منابع حقوق دیپلماتیک در اسلام
۱۶	گفتار اول: منابع اصلی
۱۸	گفتار دوم: منابع فرعی
۳۰	مبحث سوم: اصول حاکم بر روابط دیپلماتیک در اسلام
۳۱	گفتار اول: اصل دعوت
۳۳	گفتار دوم: اصل نفی سیل
۳۵	گفتار سوم: اصل رعایت احترام متقابل
۳۵	گفتار چهارم: اصل وفای به عهد و احترام به قراردادهای و پیمانها
۳۹	فصل دوم: روابط دیپلماتیک
۳۹	مبحث اول: تاریخچه روابط دیپلماتیک
۴۰	گفتار اول: دوره اول، دیپلماسی نوپا

۶۷	گفتار دوم: دوره دوم، دیپلماسی کلاسیک
۶۹	گفتار سوم: دوره سوم، دیپلماسی نوین
۶۹	مبحث دوم: شرایط برقراری روابط دیپلماتیک در اسلام
۷۰	گفتار اول: وجود دولت در دو طرف رابطه
۷۸	گفتار دوم: شناسایی دولت
۸۱	گفتار سوم: توافق در برقراری روابط دیپلماتیک

بخش دوم: دستگاه دیپلماسی در اسلام

۸۵	فصل اول: ارکان دستگاه دیپلماسی
۸۵	مبحث اول: کارگزاران سیاست خارجی و وظایف آنها
۸۶	مبحث دوم: نماینده دیپلماتیک (سفیر)
۸۹	گفتار اول: اعزام سفیران
۱۱۱	گفتار دوم: پذیرش سفیران
۱۱۶	گفتار سوم: تعهدات و وظایف نمایندگان دیپلماتیک
۱۳۱	مبحث سوم: مأموریت و نمایندگی دیپلماتیک
۱۳۲	گفتار اول: تأسیس نمایندگی، حق یا تکلیف؟
۱۳۴	گفتار دوم: انواع مأموریت دیپلماتیک
۱۳۷	گفتار سوم: پایان مأموریت دیپلماتیک

۱۴۴	فصل دوم: مصونیت و مزایای دیپلماتیک در اسلام
۱۴۴	مبحث اول: تعاریف
۱۴۴	گفتار اول: مصونیت
۱۴۸	گفتار دوم: مزایا
۱۴۸	گفتار سوم: تفاوت مصونیت و مزیت
۱۵۱	مبحث دوم: مصونیت‌های دیپلماتیک
۱۵۲	گفتار اول: انواع مصونیت‌های دیپلماتیک
۱۶۹	گفتار دوم: مبانی مصونیت‌های دیپلماتیک
۱۷۵	مبحث سوم: مزایای دیپلماتیک
۱۷۵	گفتار اول: انواع مزایای دیپلماتیک
۱۷۷	گفتار دوم: مبنای مزایای دیپلماتیک

صفحه	عنوان
۱۷۸	فرجام سخن
۱۸۱	پیوستها
۱۸۲	۱. جداول سفیران و هیئتهای نمایندگی
۱۸۹	۲. نقشه و عکس
۱۹۱	۳. اسناد
۲۱۹	کتابنامه
۲۳۳	نمایه آیات
۲۳۵	نمایه اشخاص
۲۳۸	نمایه اماکن

مقدمه چاپ دوم

ظهور اسلام در قرن هفتم میلادی از حوادث مهم تاریخی به شمار می آید؛ چراکه رسالت خویش را جهانی معرفی کرد و هدایت بشریت به سوی حق را عهده دار شد. پیامبران، به خصوص نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در مقام سفیران الهی، در تمدن آفرینی، توسعه روابط اجتماعی و بین المللی و ترویج فرهنگ عدالت خواهی نقشی برجسته داشته اند: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ.^۱

در نظام حقوقی اسلام، روابط دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک جایگاهی ویژه دارد، تا آنجا که سفارت و اصل دیپلماسی از مهم ترین آموزه های دینی و الهی به شمار می رود. دیپلماسی در حکومت نبوی تجلی خاصی دارد. منظور از دیپلماسی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - که آخرین سفیر الهی اند - فعالیتها و اقداماتی است که ایشان در جایگاه رئیس حکومت اسلامی و نیز سفیران برگزیده، با هدف تحقق خط مشیهای کلی دولت اسلامی در عرصه روابط بین الملل انجام داده اند. در حقیقت، اهداف عالی و خطوط کلی سیاست اسلام و منافع امت اسلامی، دیپلماسی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را جهت می بخشید.^۲

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مدت رسالت و حکومت خویش، سفیرانی را نزد سران دیگر کشورها فرستاد و سفیرانی را از کشورهای دیگر به حضور پذیرفت. وی در اعزام و پذیرش سفیر تشریفات خاصی را رعایت می کرد. بدون شک، سیره آن

۱. حدید/۲۵: «به راستی، (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و میزان سنجش را فرستادیم تا مردم به عدالت پردازند».

۲. ر. ک.: عمید زنجانی، فقه سیاسی، حقوق تعهدات بین المللی و دیپلماسی در اسلام، ص ۲۷۲.

حضرت در روابط بین‌الملل و حقوق دیپلماتیک نکاتی ارزنده و الهام‌بخش را یادآور می‌شود.

اسلام در روابط بین‌الملل اصول و مقرراتی گسترده دارد. از این رو، فقیهان اسلامی در آثار فقهی خویش در ابوابی چون «کتاب الجهاد» و یا در کتبی با عنوان «سیر»^۱ به بیان این اصول پرداخته‌اند. بخشی از این آثار که در سده‌های آغازین نگاشته شده، عبارت است از:

کتاب الخراج نوشته قاضی ابویوسف (متوفی ۱۷۶هـ.ق.). بسیاری از نویسندگان او را نخستین فقیهی می‌دانند که به تدوین فقه سیاسی پرداخت.^۲

کتاب المجموع نوشته زید بن علی (شهادت ۱۲۲هـ.ق.). این کتاب دومین کتاب فقهی سیاسی است^۳ که بخشی از آن به حقوق بین‌الملل اختصاص دارد. این کتاب با عنوان المسند للإمام زید تجدید چاپ شده است.^۴

کتابهای السیر الکبیر و السیر الصغیر نوشته محمد بن حسن شیبانی (متوفی ۱۸۲هـ.ق.). این دو کتاب مسائل جهاد و مقررات بین‌الملل را به صورت منظم و مشروح بررسی می‌کند.

کتاب الخلاف و المبسوط نوشته شیخ طوسی (متوفی ۴۶۰هـ.ق.) از فقهای بزرگ شیعه. با تألیف این دو کتاب فقه شیعه متحول شد. شیخ در کتاب الخلاف با

۱. «سیر» جمع کلمه «سیره» در لغت به معنای رفتار و عملکرد و گردش است، اما از قرن دوم هجری به بعد، دو معنای اصطلاحی یافت: در اصطلاح وقایع‌نگاران، سیره یعنی زندگی‌نامه پیامبر اکرم ﷺ و در اصطلاح حقوق‌دانان مسلمان، «سیر» به صورت جمع یعنی رفتار دولت اسلامی در روابط با دیگر جوامع و یا رفتار دولت اسلامی در امور بین‌الملل (ر.ک.: خلیلیان، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص ۵۹؛ حمیدالله، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام، ترجمه و تحقیق محقق داماد، ج ۱، ص ۱۴۱).

۲. حمیدالله، حقوق روابط بین‌الملل در اسلام، ترجمه و تحقیق محقق داماد، ص ۳۵؛ خلیلیان، حقوق بین‌الملل اسلامی، ص ۶۱.

۳. عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۳، ص ۱۰۱.

۴. صدر، تأسیس الشیعة لعلوم الاسلام، ص ۲۳۲.

عناوینی چون «کتاب السیر»^۱ و «کتاب الجزیه»^۲ و در کتاب المبسوط با عناوینی چون «کتاب الجهاد و سیره الامام»^۳ و... به بیان مسائل عمومی روابط بین الملل و فقه سیاسی پرداخته است.

با وجود این، متأسفانه آثاری مستقل و مبسوط که به حقوق دیپلماتیک اسلام پرداخته باشد، بسیار اندک است. به نظر می‌رسد کهن‌ترین اثر در این باره کتاب رسل الملوک و من يصلح للرسالة و السفارة^۴ نوشته ابن الفراء باشد که در اواخر قرن سوم هجری نگاشته شده است.

در سالهای اخیر، برخی اندیشمندان عرب گامهایی در این مسیر برداشته و پژوهشهای گران‌سنگی با موضوع دیپلماسی اسلامی پیش نهاده‌اند؛ مثل القانون الدبلوماسی الاسلامی،^۵ نوشته احمد ابوالوفاء؛ السفارات فی الاسلام نوشته محمد التابعی؛ الدبلوماسية الاسلامیة نوشته عبدالرحمن محمد عبدالرحمن؛ النظم الدبلوماسية فی الاسلام نوشته صلاح الدین المنجد. آثاری دیگر نیز به طور غیرمستقیم به این موضوع پرداخته است؛ مانند اصول العلاقات الدولية فی فقه الامام محمد بن الحسن الشیبانی نوشته عثمان جمعه؛ الاصول العامة للعلاقات الدولية فی الاسلام وقت السلم اثر دکتر احمد عبدالونیس شتا و سلسله العلاقات الدولية فی الاسلام نوشته محمود مصطفی نادیه و دیگران.

متأسفانه در زبان فارسی آثار مرتبط با حقوق دیپلماتیک اندک است و در

۱. طوسی، الخلاف، ج ۵، ص ۵۱۷-۵۳۶.

۲. همان، ص ۵۳۶-۵۵۳.

۳. همان، المبسوط، ج ۲، ص ۲-۷۴.

۴. صلاح‌الدین المنجد در سال ۱۹۴۷ این کتاب را در قاهره تصحیح و چاپ کرد و نوشین‌روان پرویز اتابکی در سال ۱۳۶۰ش آن را به فارسی ترجمه کرد و در انتشارات آموزش اسلامی به چاپ رسید.

۵. این کتاب با ترجمه و تحقیق دکتر سید مصطفی میرمحمدی در سازمان «سمت» به چاپ رسیده است. مترجم در ترجمه این اثر دیدگاههای فقهی شیعه را افزوده است.

این میان جای خالی آثاری که به طور جامع به این موضوع از نگاه اسلام پرداخته باشند، بسیار احساس می‌شود.

این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده، بر آن است تا ضمن بیان نقش اسلام در توسعه دیپلماسی و حقوق دیپلماتیک، برخی اصول و مقررات آن را با تکیه بر سیره نبوی استخراج و تدوین کند و از این طریق با مقایسه تطبیقی آن با حقوق دیپلماتیک موضوعه، امتیازات و نوآوریهای اندیشه اسلامی را در این خصوص تبیین نماید.

در چاپ حاضر از کتاب پیش‌رو، مباحث را در دو بخش سامان داده‌ایم: بخش اول که با عنوان کلیات سامان یافته است، دو فصل را دربرمی‌گیرد. فصل اول به بیان «مبانی» اعم از تعاریف و منابع و اصول حاکم بر روابط دیپلماتیک در اسلام و به تبیین اصولی اصل نفی سیل و عزت اسلامی، اصل دعوت، اصل رعایت احترام متقابل و اصل وفای به عهد و احترام به قراردادهای و پیمانها پرداخته است. در فصل دوم این بخش، ضمن بررسی تاریخچه روابط دیپلماتیک در سه دوره دیپلماسی نوپا، دیپلماسی کلاسیک و دیپلماسی نوین، به جایگاه اسلام در این خصوص و نقش آن در توسعه موضوع دیپلماسی اشاره کرده و شرایط برقراری روابط دیپلماتیک در اسلام را توضیح داده‌ایم.

«دستگاه دیپلماسی» عنوان بخش دوم کتاب است. در فصل اول این بخش به ارکان دستگاه دیپلماسی می‌پردازیم. در این فصل به توضیحاتی درباره کارگزاران سیاست خارجی و نماینده دیپلماتیک [سفیر]، می‌پردازیم و موضوعاتی همچون اعزام و پذیرش سفیران و ویژگیها و شرایط آنان را بررسی می‌کنیم.

تعهدات و وظایف نمایندگان دیپلماتیک در قبال دولت فرستنده و دولت پذیرنده، مأموریت و نمایندگی دیپلماتیک از دیگر موضوعات پرداخته شده در این فصل است.

در فصل دوم که پایان بخش کتاب است، درباره مصونیت و مزایای دیپلماتیک سخن گفته‌ایم و پس از بیان تعاریف مربوط به بررسی انواع مصونیت اعم

از مصونیت از تعرض و مصونیت قضایی، به مبانی پذیرش آن از دیدگاه اسلامی پرداخته و در نهایت، مزایای دیپلماتیک و مبانی پذیرش آن بررسی شده است. در فرجام سخن، راهنماییهای ارزنده، مشوقانه و راهگشای جناب دکتر علیرضا دیهیم را ارج می‌نهم و از اینکه با نگارش مقدمه‌ای بر کتاب، زینت بخش آن شدند، سپاسگزاری می‌کنم. همچنین از آقایان دکتر گودرز افتخار جهرمی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر سید مصطفی میرمحمدی و دکتر عبدالوهاب فراتی به خاطر یادآوریهای عالمانه‌شان قدردانی می‌کنم. نیز ضمن تشکر از سازمان مطالعه و تدوین (سمت)، سپاسدار دانشگاه علوم اسلامی رضوی و دوستان خود در دفتر برنامه‌ریزی و خدمات پژوهشی آن دانشگاهم که شرایط چاپ و انتشار این اثر را فراهم آوردند.

محمدحسین پورامینی

مقدمه

مصونیت یکی از مسائل چالشی و مهم در حقوق دیپلماتیک به شمار می‌رود، از دهه ۱۳۷۰ (۱۹۹۰) تاکنون قوانین، رویه قضایی و دکترین ناظر بر مصونیت دو روند متضاد را شاهد بوده‌اند:

۱. ضرورت حمایت از مصونیت دولتی و دیپلماتیک که یکی از اصول حقوق بین‌الملل و تأیید شده در مقررات موجود (Lex lata) است. از این رو موارد ذیل را از آنجا که متضمن واکنش متقابل و اعتراض آمیز کشورمان در برابر نقض این اصل بوده است می‌توان از مصادیق حمایت از اصل مصونیت دانست:

- صدور آراء بسیار زیاد در پرونده‌های متعدد در دادگاههای امریکا و به طور عمده در دادگاه بخش ایالت کلمبیا با مطالبه میلیاردها دلار خسارات مادی، معنوی و تنبیهی به بهانه انتساب شبه‌جرمهای تروریستی به مقامات و نهادهای دولتی جمهوری اسلامی ایران در دهه ۲۰۰۰، نقض قاعده عرفی مصونیت تلقی و موجب واکنش متقابل قوه مقننه^۱ و محاکم ایران در صدور آراء مطالبه خسارت از دولت امریکا شد.

- صدور قرارهای توقیف در پرونده کذایی آمیا (انفجار مؤسسه تعاونی اسرائیل و آرژانتین) به دستور دادستانهای آرژانتینی و تأیید آنها از سوی قاضی تحقیق علیه مقامات جمهوری اسلامی ایران و در مرحله بعد، وارد کردن اتهام علیه دولت و مقامات جمهوری اسلامی ایران به وسیله قاضی تحقیق جدید،

۱. تصویب قانون صلاحیت جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولتهای خارجی مصوب ۱۳۷۸/۸/۲۸ و اصلاحات بعدی و آیین‌نامه اجرایی قانون مزبور مصوب ۱۳۷۹/۲/۲۵ هیئت وزیران و بالاخره قانون جدید مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۷.

دکتر کورال، در سال ۲۰۰۶ که با اعتراض پلیس جنایی بین‌المللی (اینترپل) اختصار فرمز علیه سه نفر از مقامات دولتی کشورمان یعنی رئیس‌جمهور و وزیر خارجه و سفیرمان در سال ۱۹۹۴ (در زمان انفجار) به استناد اصل مصونیت غیر قابل پذیرش اعلام شد.^۱

۲. ضرورت دگرگونی و اصلاح قوانین موجود^۲ تا سرحد لغو مصونیت و یا توسعه حیطه و قلمرو استثنای مصونیت (قانون مطلوب) (lex ferenda). از این رو تشکیل بیش از ده پرونده قضایی در فاصله سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۱ علیه مقامات مهم دولتی خارجی در محاکم اروپایی (از جمله علیه نخست وزیر اسرائیل، قذافی، فیدل کاسترو، کیسینجر، وزیر خارجه وقت امریکا، رئیس‌جمهور سابق ایران، حسن هابره، رئیس‌جمهور سابق چاد، وزیر خارجه جمهوری کنگو) و در امریکا علیه رئیس‌جمهور زیمبابوه و رئیس‌جمهور سابق چین کمونیست،^۳ مصادیق قضایی به چالش کشاندن اصل مصونیت مقامات دولت خارجی در محاکم داخلی‌اند.

۱. در رأی‌گیری مجمع عمومی اینترپل (مراکش) در ۷ نوامبر ۲۰۰۷. ایران کل اتهامات را بی‌اساس اعلام و آنها را دروغهای ساخته و بافته شده محافل صهیونیستی و امریکایی خوانده با اینکه بارها اعلام داشته است که رسیدگی قضایی و قرارهای صادر گردیده توسط دادستانهای آرژانتینی مغایر و ناقض اصل مصونیت دولتی و دیپلماتیک و تعهدات آن دولت می‌باشد. مع‌هذا برای اثبات حسن نیت خود و نشان دادن روحیه همکاری اعلام می‌داشت که قانون مجازات اسلامی به موجب ماده ۶ اجازه رسیدگی به اتهامات را در مراجع قضایی ایران براساس مستندات ارائه شده اعطا کرده است.

ماده ۶ قانون مجازات اسلامی ایران (مرداد ۱۳۷۰):

هر جرمی که... و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می‌شوند و همچنین هر جرمی که مأموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می‌کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات می‌شوند.

۲. و به تبع آن، لزوم رسیدگی قضایی و صدور رأی و عدم پذیرش ایراد عدم صلاحیت، به استناد اصل مصونیت که مقرر می‌دارد: هیچ دولتی براساس اصل تساوی تابع اعمال صلاحیت دولت دیگر نمی‌باشد (Par in parem non habet imperium).

۳. در روسیه نیز همین روند آغاز شد. اما در سال ۲۰۰۵ دادستان کل روسیه سفر نخست وزیر وقت اوکراین را به دلیل مصونیت دولتی بلامانع اعلام کرد.

با بررسی این دیدگاهها از نگاه جمهوری اسلامی ایران، وظیفه کمیسیون حقوق بین‌الملل باید انتخاب کدام گزینه باشد؟ تلاش برای حمایت از اصل مصونیت از جمله از راه مکتوب کردن قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در این زمینه و یا دفاع از تحول آن؟ از یک سو در جهان کنونی که سیل اتهامات ناروا و پرونده‌های ظالمانه علیه کشورمان مفتوح و همچنان در حال تشکیل است، آن هم با تحمیل هزینه‌های سرسام‌آور مادی و حیثیتی، مصلحت ما در حمایت از اصل مصونیت نهفته است؛ با توجه به اینکه قانون اساسی ما برای هیچ کس مصونیتی در قبال ارتکاب جرم قائل نشده است. در این میان شگفت‌انگیز نیست بگوییم که آراء محاکم امریکایی سیاسی بوده‌اند، چرا که نسبت به پرونده‌های مربوط به مقامات برجسته دیگر کشورها، آنجا که به کشور خودمان مربوط می‌شود به عدم پذیرش اصل مصونیت استناد می‌شود، اما آنجا که به رژیم اسرائیل مربوط می‌گردد از پذیرش اصل مصونیت سیاسی حمایت می‌شود. بنابراین تردیدی وجود ندارد که آراء دادگاههای آنها علیه مسئولان دولتی ایران، آن هم با مقرر کردن مجازاتهای چند صد میلیون دلاری از بابت خسارات تنبیهی - علاوه بر خسارات مادی و معنوی - برای هر پرونده و یا به اصطلاح کیفرخواستِ دادستانهای آرژانتینی و موافقت قاضی تحقیق در پرونده انفجار آمیا (مؤسسه تعاونی اسرائیل و آرژانتین) آراء سیاسی بوده و نه حقوقی. بنابراین، این گونه آراء نمی‌توانند پایه شکل‌گیری قاعده عرفی و رویه قضایی بین‌المللی و به اصطلاح به عنوان عرف بین‌الملل شناسایی و اعلام شوند.

البته این پرسش درست است که چگونه می‌توان از حیث اعمال صلاحیت محاکم خارجی «ونه بین‌المللی» بین قواعد انتساب مسئولیت دولتی با مصونیت دولتی که متضمن نوعی عدم مسئولیت رفتاری است، تعادل برقرار کرد؟ مثلاً بگوییم اعمال تصدی (acta jure gestionis) در محاکم ملی مشمول اعمال قاعده مسئولیت دولتی است. یا اینکه بگوییم چنانچه اعمالی از مصادیق اعمال حاکمیت دولتی تلقی شوند، آن را مشمول مبنای مادی مصونیت می‌شناسیم یا بگوییم فقط در خصوص ارتکاب جنایت شدید بین‌المللی اصل مصونیت اجرا نخواهد شد. زیرا چگونه می‌توان بی‌تفاوتی و بی‌کیفری را نسبت به جنایات زورگویان بین‌المللی، به ویژه سران اسرائیل، در مواجهه با حقوق بنیادین مظلومان فلسطینی توجیه کرد؟ آنهایی که

مصدق واقعی آیه إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ... وَ يَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا (مجازات کسانی که... در فسادانگیزی در زمین می کوشند) هستند.^۱

اما از طرف دیگر چگونه می توان نسبت به اجرای محاکمه منصفانه در رسیدگیهای قضایی داخلی در پرونده جرایم و جنایات فاحش، آن هم در جهان سخت سیاسی کنونی، اطمینان حاصل کرد؟

در صورت لغو یا عدم اعمال اصل مصونیت چه تضمینهای بین المللی برای اجرای عدالت و یا عدم ایجاد تنش در روابط بین المللی وجود دارد؟

واقعیت مهم اینجاست که نمی توان تأثیر منافع ملی را بر قواعد آیین نامه ای شکلی و ماهوی حتی از حیث اعمال صلاحیت کیفری مراجع بین المللی و نه داخلی نادیده گرفت؛ برای مثال در حالی که ماده ۲۷ اساسنامه دیوان کیفری اصل عدم تأثیر سِمَت رسمی بر صلاحیت دیوان را تأیید می کند، ماده ۱۶ اساسنامه استثنای مصونیت را بنا به قطعنامه شورای امنیت در اجرای فصل هفتم منشور یعنی زمانی که صلح و امنیت بین المللی مورد تهدید یا نقض قرار گیرد، برای مدت ۱۲ ماه قابل تمدید می داند و بدون محدودیت می پذیرد:

«چنانچه قطعنامه ای از سوی شورای امنیت در اجرای فصل ۷ منشور ملل متحد صادر شود و از دیوان درخواست شود تا تحقیق یا تعقیبی را معلق نماید، هیچ تحقیق یا تعقیبی به موجب این اساسنامه نمی تواند به مدت ۱۲ ماه شروع شود یا ادامه یابد. این درخواست به موجب همان شرایط قابل تجدید توسط شورای امنیت می باشد».

این ماده علی رغم مخالفت کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با فشار امریکا در اساسنامه درج شد. ماده ای که مغایر استقلال قضایی دیوان است.

امریکا از موضع منافع ملی همین فشار را بر شورای امنیت وارد ساخت تا از آن طریق دیوان را مجبور کند مصونیت قضایی نیروهای حافظ صلح را که از کشورش تشکیل شده بود، تحت عنوان اینکه امریکا عضو دیوان نمی باشد، محترم بشمارد.^۲

۱. مائده/۳۳.

۲. ر. ک.: چهار مقاله برگزیده از همایش استرداد مجرمین، علیرضا دهبیم، «نقش سازمانهای بین المللی در استرداد مجرمین»، ص ۳۳-۳۴، پلیس بین الملل ناجا، ۱۳۸۸ش؛ سخنرانی ←

در سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۵ آمریکا فراتر از این رفت و با تحمیل بسیاری از موافقت‌نامه‌های دوجانبه و تهدید کشورهای که حاضر به امضا نبودند، موافقت‌نامه‌هایی را با کشورهای آسیایی، افریقایی، اروپایی و امریکای لاتین منعقد کرد که به موجب آنها تحویل (یا استرداد) اتباع امریکایی، پرسنل نظامی، مقامات پیشین یا کنونی دولت امریکا به دیوان کیفری منع گردید.^۱

کتاب *اسلام و حقوق دیپلماتیک* نوشته برادر عزیز آقای محمدحسین پورامینی می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد؛ به ویژه که پژوهشگر توانسته است کتابی را به رشته تحریر درآورد که در بررسی حقوق دیپلماتیک از منابع اسلامی به طور مستوفی بهره جسته و در این زمینه از جمله اولین آثار است. نگارنده این سطور به خوبی واقف است که جمع‌آوری این گونه منابع تا چه حد زحمت‌افزا و در برخی مواقع طاقت‌فرساست و خوشحالم که اینک این تلاش به ثمر رسیده و به زیور طبع آراسته شده است. با این آرزو که مقایسه و تطبیق دیدگاه‌های حقوقی غرب با اسلام انگیزه محققان اسلامی را برای حضور فعال در مراجع و محافل مسئول تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل بیش از پیش فزونی بخشد.

والسلام علی من اتبع الهدی
علیرضا دیهیم^۲

→ نگارنده در سال ۱۳۸۶ در دانشگاه علوم انتظامی و مجله حقوقی مرکز حقوقی بین‌المللی ریاست جمهوری، شماره ۳۲، مقاله استان کارستن، ۱۳۸۴ ش.

۱. ر. ک.: مقاله اینجانب در مجله انگلیسی سیاست خارجی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه و گزارش نگارنده در:

Yearbook of the Asian African Legal Consultative Organization (AALCO), vol. II (2004), pp. 201-202 & 213-214.

۲. از جمله فعالیتهای علمی و اجرایی ایشان عبارت است از: ریاست دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، سفیر جمهوری اسلامی ایران در مکزیک و کوبا، ریاست اداره حقوقی و اداره معاهدات و حقوق بین‌الملل وزارت امور خارجه، معاون ارشد دبیر کل سازمان حقوقی مشورتی آسیا و افریقا (AALCO)، استاد حقوق دانشگاه شهید بهشتی، استاد حقوق دانشگاه علوم اسلامی رضوی و ...